



Post-Positivism as a Research Approach in Public Law

Ayat Mulaee 

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Nusratullah Nabeel Rahimi 

Ph.D. Candidate, Public Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

1. Introduction

The importance of research methodology is already highlighted, as the validity of knowledge depends on aligning the research design and methodology with dominant paradigms. Post-positivism is a contemporary philosophical approach that has developed in response to criticisms of positivism. It plays a significant role in research methodology, influencing both the research process and the output. As a theoretical legal inquiry, the present research employed a descriptive-analytical method to examine the applicability of post-positivism in research on public law. The research question is as follows: Can post-positivism be applied as a research approach in public law?

* Corresponding Author: amulaee@tabrizu.ac.ir

How to Cite: Mulaee, A. & Nabeel Rahimi, N., "Post-Positivism as a Research Approach in Public Law", The Quarterly Journal of Public Law Research, Vol. 26, No. 86, (2025), 1 - 30. Doi: [10.22054/QJPL.2023.70022.2821](https://doi.org/10.22054/QJPL.2023.70022.2821).

2. Literature Review

There is a lack of Persian-language publications on post-positivism as a research approach in public law. However, there are a few studies in the broader field of research. For example, the article “The Turn Towards Post-Positivism” (Tayeb, 2002) discusses post-positivism from the perspective of social sciences, addressing its challenges as well as the reactions it has generated. In “Introducing a New Framework for Epistemology of Future Studies,” Chaparak et al. (2019) explored positivism in the context of social sciences and examined future directions in epistemology. Its relevance to the present study lies in its forward-looking approach and the consideration of emerging developments in the field of knowledge. Moreover, Eftekhari’s “Positivist Methodology in Security Studies” (2003) addressed the criticisms of positivism and offered a detailed discussion of its classifications, which is fundamentally significant for the concern of the present research. As reflected in the existing literature, the current article presents a new perspective within Persian-speaking academia, as no prior research has addressed post-positivism in the context of public law.

3. Materials and Methods

As a theoretical legal study, this research employed a descriptive–analytical method to examine the applicability of post-positivism in research on public law.

4. Results and Discussion

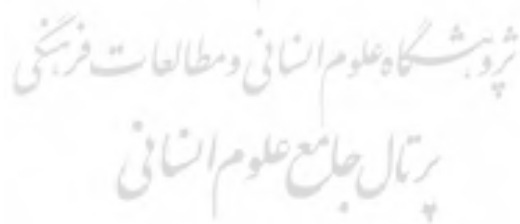
The post-positivist approach enables researchers to move beyond linear thinking and embrace epistemological diversity as a core scientific principle. It also emphasizes the importance of interpretation and the practical application of theories. Research within the post-positivist paradigm can be both quantitative and qualitative. The

qualitative post-positivist research aims to describe ongoing processes or the prevailing values within a society. Moreover, this type of research is to predict the reproduction of actions in individual interactions by examining temporal, cultural, or spatial conditions. As a developing discipline, public law critically needs to engage with issues at both foundational and philosophical levels. Without a thorough examination of its intellectual and methodological underpinnings, drawing reliable conclusions in empirical matters remains unlikely. Acknowledging this need, the current research aimed to explore the pre-methodological nature of inquiry and, in turn, assess the potential of post-positivism as a viable research approach in public law. Intellectual and philosophical schools of thought serve as research paradigms that shape a structured path toward scientific understanding. This is particularly important in the humanities for two key reasons. First, not all forms of knowledge possess scientific validity; only those examined through the lens of philosophical schools—where the researcher clearly situates themselves within a specific research paradigm—can be considered scientifically sound. Second, we are living in an era where many concepts in academic community lack rigorous scientific substance and often fall within the realm of semi-valid or even pseudo-science. Approaching public law through the perspective of philosophical schools offers a valuable criterion for distinguishing genuine scientific inquiry from pseudo-science. At the theoretical level, post-positivism emerges as a response to the criticisms directed at positivism. Proponents of post-positivism seek to develop an approach that not only addresses these critiques but also aligns with the real complexities of the contemporary world. As a research paradigm, post-positivism contributes to methodological discourse by making research methods more structured and meaningful.

5. Conclusion

According to the findings, post-positivism has applicability as a research approach in public law. Viewing public law through the lens of post-positivism allows localized and experiential perspectives on legal concepts to be accepted as fundamental principles. Furthermore, post-positivist framework enables public law scholars to rely on descriptive and historical research methods—as a means of contextual understanding—rather than solely on statistical techniques. In summary, post-positivism equips public law researchers to adapt to evolving circumstances and encourages them to move beyond an insular approach to concepts and realities.

Keywords: Methodology, Research Methods, Positivism, Post-Positivism, Philosophy of Law, Public Law.





پست-پوزیتویسم به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی

دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

آیت مولائی* 

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

نصرت الله نبیل رحیمی 

چکیده

پست-پوزیتویسم به مثابه یکی از نحله‌های فکری-فلسفی معاصر، با اثرپذیری از انتقادات وارده به پوزیتویسم شکل گرفته است. این نحله فکری در سطح متدلوژی تحقیق قابل طرح است. پرسش این است که آیا پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی ظاهر شود؟ این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی بوده و از لحاظ جمع‌آوری اسناد، کتابخانه‌ای می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. بر مبنای یافته‌های این مقاله، نخست، کمتر پژوهشی را در جامعه علمی فارسی زبان سراغ داریم که به متدلوژی پژوهش توجه نموده و ذیل آن، روش تحقیق را تعریف نماید. این در حالیست که شناخت علمی شایسته می‌طلبد پژوهشگران تکلیف خود را با مکاتب فلسفی و پارادایم‌ها مشخص نموده و ذیل آن، روش پژوهشی خود را توضیح دهند؛ دوم، هر شناختی را نمی‌توان شناخت علمی تلقی نمود، شناخت علمی درست، تابع پارادایم‌های فلسفی است که در صورت عدم توجه به آن، خروجی پژوهش، اعتبار علمی نخواهد داشت؛ سوم، پست-پوزیتویسم به مثابه یک رهیافت پژوهشی، به دانش حقوق عمومی قابل تعمیم است؛ چهارم، این نحله فکری، پژوهشگران حقوق عمومی را قادر می‌سازد تا در کنار استفاده از تکنیک‌های آماری به روش تحقیق توصیفی و تاریخی (به مثابه شناخت زمینه‌ای) تمسک بجویند.

واژگان کلیدی: متدلوژی، روش تحقیق، پوزیتویسم و پست-پوزیتویسم، فلسفه حقوق، حقوق عمومی.

مقدمه

مکاتب فکری- فلسفی در دانش حقوق از چند جهت مهم می‌باشد: نخست اینکه مکاتب فلسفی با ارائه پارادایم‌ها برای شناخت شایسته علمی کمک می‌کنند. ثانیاً دانش حقوق با فلسفه، پیوند ناگسستنی داشته و حتی می‌توان گفت که وجه کارکردی برخی آرای فلسفی، حقوق عمومی می‌باشد. اما در اثر جدی نگرفتن این موضوع، دانش حقوق در جامعه ما دچار بحران بسیار جدی شده و خروجی پژوهش‌های جامعه علمی ما جایگاه بایسته‌ای در چرخه تولید دانش ندارند. بی‌شک یکی از دلایل جدی این گمراهی، ریشه در جدی نگرفتن مکاتب فکری- فلسفی دارد. از نظر آماری در ساحت حقوق، همه ساله انبوهی از مقالات عرضه می‌شود. اما از آنجایی که اکثریت مطلق آنها از منظر متدلوژی قوی نیستند، چه در مقیاس جهانی و چه در چرخه تولید دانش، جدی گرفته نمی‌شوند.

در اثر خلا یادشده کمتر پژوهشی را سراغ داریم که از توضیح متدلوژی آغاز و سپس به توضیح روش تحقیق پرداخته باشد. حال آنکه علوم انسانی به طور عام و روش‌شناسی پژوهش به طور خاص می‌طلبد که قبل از ورود به روش تحقیق، لایه فلسفی- متدلوژیک پژوهش توضیح داده شود. چرا که توضیح متدلوژی، پارادایم‌های رسیدن به شناخت علمی را مشخص نموده و پژوهش را از مسیر شبه‌علم دور می‌سازد.

پُست-پوزیتویسم به مثابه یکی از مکاتب فکری- فلسفی به دنبال ارائه پارادایم شناخت علمی در علوم انسانی و اجتماعی می‌باشد. این مکتب نسخه بازسازی شده پوزیتویسم بوده و در آن بسیاری از انگاره‌های پوزیتویسم سنتی کنار گذاشته شده است. در ادامه خواهیم دید که تفاوت اساسی پست-پوزیتویسم با پوزیتویسم در این است که پست-پوزیتویسم، تئوری و شناخت علمی را تابع ارزش‌ها، زمینه و زمانه می‌داند و همچنین برخلاف پوزیتویست‌ها شناخت تاریخی را به مثابه شناخت زمینه‌ای می‌پذیرد.

پرداختن به پُست-پوزیتویسم برای حقوق عمومی از دو جهت مهم است: اولاً این مکتب می‌تواند مسیر تازه‌ای را برای مطالعات حقوق عمومی باز کند. ثانیاً با نگاه از عینک پست-پوزیتویسم، حقوقدانان از نگاه پوزیتویستی کلاسیک دور شده و حقوق را در دل زمان و مکان بررسی کنند. اگر بتوان پست-پوزیتویسم را نسخه توسعه‌یافته پوزیتویسم پنداشت، پرسش‌های بسیار جدی پیش‌روی پژوهشگران حقوق عمومی قرار خواهد

گرفت. از جمله اینکه آیا پست-پوزیتویسم همانند سلف خود در توسعه دانش حقوق نقش آفرینی خواهد نمود؟ با این حال، مهمترین پرسش این است که آیا پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی ظاهر شود؟ فرضیه پژوهش با توجه به ضرورت بومی‌سازی دانش حقوق عمومی و نگاه کثرت‌گرایانه به مفاهیم، بنظر می‌رسد پست-پوزیتویسم می‌تواند به مثابه رهیافت پژوهشی جدید در دانش حقوق عمومی ظاهر گردد.

این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی بوده و از منظر جمع‌آوری اسناد، کتابخانه‌ای می‌باشد. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد. در زمینه پیشینه پژوهش، باید گفت که پیرامون پژوهش‌های پست-پوزیتویستی در دانش حقوق عمومی، مطالعات مکفی انجام نشده و نوشته‌های انگشت‌شمار در زبان فارسی، در زمینه‌های دانشی دیگر به رشته تحریر درآمده‌اند. مقالاتی مانند «چرخش به سوی پست پوزیتویسم»^۱، «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت‌شناسی آینده پژوهشی»^۲ و «روش‌شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی»^۳ در جامعه علمی فارسی زبان در دسترس‌اند، اما هیچ‌یک از آنها به نقش آفرینی پست-پوزیتویسم در مطالعات حقوق عمومی نپرداخته است.

۱. تفاوت متدلوژی با روش تحقیق

متدلوژی موضوع مهم در فلسفه پژوهش بوده و با روش تحقیق تفاوت‌های اساسی دارد. اما در جامعه علمی فارسی‌زبان، خلط مفهومی این دو به چشم می‌خورد.^۴ روش تحقیق به تکنیک‌ها و مراحل پژوهش تأکید دارد. اما متدلوژی به ماهیت دانش پرداخته و توضیح می‌دهد که چه چیزی باید به عنوان معرفت علمی پذیرفته شود. گرچه هر دو شاخه‌های

۱. طیب، علیرضا، «چرخش به سوی پست-پوزیتویسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، (۱۳۸۱).

۲. چاپرک، علی؛ قانع‌ی راد، سید محمد امین و ذوالفقارزاده، محمد مهدی، «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت‌شناسی آینده پژوهی: معرفت‌شناسی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۱۲، شماره ۴۸، (۱۳۹۸).

۳. افتخاری، اصغر، «روش‌شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، (۱۳۸۲).

۴. سعید ناجی، «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، (۱۳۸۵)، ص ۱۳۷.

علوم معاصر هستند؛ اما متدولوژی آن شاخه‌ای از دانش است که به اصول کلی یا بنیادهای دانش می‌پردازد. به عبارت ساده‌تر، متدولوژی به این موضوع می‌پردازد که چه منطقی (چه واقعیت‌هایی) بر بنیادهای یک معرفت علمی قرار دارد؟ استوانه‌های یک معرفت چیست؟ حال آنکه روش تحقیق تکنیک‌ها و ترفندهای انجام پژوهش را توضیح و تبیین می‌کند. به‌عنوان مثال نمونه‌برداری، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها و گزارش پژوهش، چارچوب‌های مفهومی و مدل‌ها، موضوعات مهم روش تحقیق هستند. در حالیکه در متدولوژی، مکاتب فکری - فلسفی، فضای فکری حاکم در انجام پژوهش و پارادایم‌های پژوهش موضوعات اصلی هستند.^۱

متدولوژی بر ماهیت و روش پژوهش اثر مستقیم داشته و در لایه فلسفی تحقیق، قابل طرح است. به این معنی که پژوهشگران با تعریف متدولوژی مشخص می‌کنند که از کدام زاویه به مسایل نگاه می‌کنند و چه پارادایمی برای رسیدن به شناخت علمی مدنظرش حاکم است. همین ترسیم زاویه است که به‌عنوان دروازه ورود به موضوع توسط متدولوژی مشخص می‌شود. من باب مثال اگر نگارنده در متدولوژی، پارادایم پوزیتیویسم را انتخاب کند، روش پژوهش لزوماً در یکی از این قالب‌ها ظاهر خواهد شد: ۱- روش تجربی^۲، ۲- روش شبه‌تجربی^۳، ۳- روش همبستگی^۴، ۴- روش مقایسه‌ای علی^۵ و ۵- روش تحقیق پیمایشی^۶. اما اگر پژوهشگر در متدولوژی، پارادایم تفسیری را انتخاب کند، روش پژوهش در یکی از قالب‌های زیر ظاهر خواهد شد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Sue L.T. McGregor & Jennifer A. Murnane, "Paradigm, Methodology and Method: Intellectual Integrity in Consumer Scholarship", International Journal of Consumer Studies, Vol. 34, Issue 4, (2010), Pp 419-420.

2. Experimental.

3. Quasi-Experimental.

4. Correlational.

5. Causal Comparative.

6. Survey Research.

۱- روش مطالعه موردی^۱، ۲- روش نظریه زمینه‌ای^۲، ۳- روش پدیدارشناسی^۳ و ۴- روش هرمنوتیک^۴ دیده می‌شود که پارادایم پوزیتویستی بیشتر به استفاده از روش‌های کمی، در حالی که پیروی از پارادایم تفسیری به روش‌های کیفی منتهی می‌شود. از نظر چلیسا و کاوالیج نخستین کاری که در تعریف متدلوژی انجام می‌شود انتخاب پارادایم پژوهش است.^۵

نکته دیگر اینکه حقوق عمومی در ایران در گیر مفاهیم انتزاعی و ذهنی است که اثبات آنها در جهان پدیدار غیرممکن است. جدی گرفتن متدلوژی در حقوق عمومی، این دانش را از مفاهیم غیرصوری و غیرتجربی دور و به اصالت خودش نزدیک خواهد نمود. همچنین می‌توان گفت که «تا در روش‌های مطالعه و تحلیل حقوقی تحولی رخ ندهد، در نتایج و نظریه‌ها، یعنی در مباحث محتوایی یا ماهوی حقوقی، نیز تحولی جدی صورت نخواهد گرفت.»^۶ بر این مبناست که باید متدلوژی را جدی گرفت.

۲. پوزیتویسم

مفهوم پوزیتویسم به مثابه یک نحله فکری در قرن نوزدهم بروز و ظهور پیدا کرده است. اما نشانه‌های اندیشه‌های پوزیتویستی حتی در فلاسفه یونان قدیم نیز دیده می‌شود. از نظر جوزف ماریا بوچنسکی^۸ کسانی که در مباحث جدلی نخست به متدلوژی پرداخته و جدی بودن سوالات را مورد بررسی قرار می‌دهند، به نحوی پوزیتویستند. از این منظر ارسطو در برابر افلاطون، انگلس در برابر کلاسیک‌های عصر خودش، پوزیتویست بوده‌اند. حتی در

1. Case Study.

2. Grounded Theory.

3. Phenomenology.

4. Hermeneutics.

5. Charles Kivunja & Ahmed Bawa Kuyini, "Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts", International Journal of Higher Education, Volume 6, Issue 5, (2017), P 37.

6. Bagele Chilisa & Barbara Kawulich, "Selecting a Research Approach: Paradigm, Methodology and Methods", Doing Social Research: A Global Context, Volume 5, Issue 1, (2012), Pp 52-53.

۷. محمد راسخ، حق و مصلحت (تهران: نشر نی، ۱۳۹۳) ص ۲۵.

8. Józef Maria Bocheński.

مباحث هگل نیز نشانه‌های آرای پوزیتیویستی دیده می‌شود.^۱ با این حال به نظر می‌رسد ریشه‌های نخستین پوزیتیویسم در سنت غرب را باید در جهان سوفیست‌ها جستجو کرد؛ آن لحظه‌ای که آنها برای جدال با رقبای خود در جامعه یونان باستان، برای موجه‌سازی رژیم سیاسی دموکراسی در برابر سایر حکومت‌ها، به قانونگذاری توسط بشر متمرکز شدند.^۲ ریشه‌های موخر نحله فکری پوزیتیویسم به آرای متفکران مدرن، بویژه دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) برمی‌گردد. در واقع او به این مفهوم اساس اپیستمولوژیک داد. چرا که تلاش کرد آن را به عنوان صورت‌بندی معرفت غالب عصر معرفی کند. هیوم تلاش نمود با طرح تجربه‌گرایی، نظریات انتزاعی را نقد نموده و تجربه‌گرایی را اساس اندیشه‌ها لحاظ کند.^۳ اما مفهوم پوزیتیویسم در اندام یک نحله فکری- فلسفی، برای نخستین بار توسط اگوست کنت^۴ (۱۷۹۸-۱۸۵۷) پایه‌گذاری شد. این متفکر فرانسوی بدین باور بود که معرفت مراحل سه‌گانه را پشت‌گذاشته است: یک- مرحله شناخت تئولوژیک، دو- مرحله شناخت متافیزیکی و سه- مرحله شناخت علمی یا پوزیتیویستی. فرآیند روبه رشد این مراحل شناخت علمی نشان می‌دهد که شناخت دینی و متافیزیکی هم‌تراز و یا در سطح شناخت علمی نبوده و در برابر آن قابل تأیید نیستند.^۵ مهمترین نظریه‌پردازان پوزیتیویستی بعدی اپنهایم (۱۹۱۹-۱۸۵۸)، آنزیلوتی (۱۹۵۰-۱۸۶۷)، آگو (۱۹۵۵-۱۹۰۷)، هانس کلسن (۱۹۷۳-۱۸۸۱) و هربرت هارت (۱۹۹۲-۱۹۰۷) بودند که در گسترش و تسلط این معرفت نقش زیادی داشتند.^۶

در مقام بیان، مهمترین ویژگی‌های پوزیتیویسم کلاسیک از این قرار است:

1. Wolfhard F. Boeselager, *The Soviet Critique of neopositivism. in the Soviet Critique of Neopositivism*, eds J. M. Bochenski (Dordrecht: Springer, 1975) P. 5.

۲. آیت مولانی، جزوه درس بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی، مقطع دکتری رشته حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، (۱۴۰۰)، ص ۳۴.

3. Boeselager, op. cit. at 7.

4. Auguste Comte's.

5. Miller, Katherine, *Perspectives on Organizational Communication: Finding Common Ground: Common Ground from the Post-positivist Perspective* (New York: Guilford Press, 2000) P 49.

۶. آرامش شهبازی، فلسفه حقوق بین‌الملل، دفتر یکم: پوزیتیویسم، چاپ اول (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۹۵) صص ۱۸۳-۱۲۶.

الف- پوزیتویسم کلاسیک می‌خواست متدلوژی علوم طبیعی را در علوم اجتماعی اعمال کند. آنها اصطلاح فیزیک اجتماعی را مطرح نمودند و ذیل آن در تلاش بودند جامعه را به همان سیاق مطالعه کنند. همچنین بر مبنای چنین رویکردی قوانین را نیز برای آینده پیشنهاد کنند.^۱

ب- محدود شدن فلسفه؛^۲ پوزیتویست‌های کلاسیک می‌خواهند برخی از مباحث فلسفی چون متافیزیک را رد و یا برخی دیگر را با استفاده از روش علمی معاصر محدود کنند.^۳ آنها استدلال می‌کنند که علوم طبیعی و علوم اجتماعی در مسیر انتقادی و خودآزمایی قرار گرفته است، در حالیکه فلسفه در مسیری جزمی گرایانه گام برداشته و برخی موضوعات آن، روی گمانه‌زنی‌ها بنا نهاده شده است.^۴

پ- پوزیتویست‌های کلاسیک به تجربه‌گرایی تأکید نموده و موضوعات غیر تجربی را منبع شناخت علمی نمی‌دانند.^۵ از نظر آنها تئوری درست، مستلزم تطابق با واقعیت است. در نتیجه چنین گرایشی به تجربه‌گرایی، ابطال‌پذیری و ارزیابی به دور از ارزش‌گذاری تأکید می‌شود.^۶

۱- پوزیتویست‌های کلاسیک فکت‌ها را جهانی تلقی و تجربه یک جامعه را بر دیگری قابل اعمال می‌دانند.^{۷ ۸}

1. Ibid. at 50.

۲. درست است که در پوزیتویسم کلاسیک تلاش شده تا فلسفه محدود شود. اما نباید پوزیتویسم را بحث فرافلسفی و یا متفاوت از سایر اندیشه‌های فلسفی فرض شود. این نحله فکری نیز همانند سایر آرای فلسفی بوده که اثرات بسیار جدی بازتعریف معرفت و فلسفه داشته است.

3. Boeselager, op. cit. at 10.

4. Ibid. at 6-7.

5. Nick Fox, "Post-positivism", The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods 2, Pp 659-66, (2008), P 659.

6. Hamati-Ataya Inanna, "Beyond Post/Positivism: The Missed Promises of Systemic Pragmatism", International Studies Quarterly, Vol. 56, Issue 2, (2012), 8.

7. Boeselager, W. F, op. cit. at 9.

۸. البته این ویژگی با یونیورسال‌انگاری طبیعت‌گرایان متفاوت است. در پوزیتویسم، جهانی‌انگاری فکت‌ها به اجرایی نمودن تجربیات جوامع محدود شده و می‌توان تجربه جامعه‌ای را بر دیگری تسری داد. به عبارت بهتر از منظر پوزیتویسم تجربه یک کشور را بدون هرگونه دخل و تصرفی در کشور دیگری می‌توان اجرا کرد. حال آنکه طبیعیون، یونیورسال‌انگاری فکت‌ها را در لایه فرازین و فراتر از تجربه بشری در نظر می‌گیرند. لذا منبع و منشأ فکت‌ها نزد آنها

۲- پوزیتیویست‌ها برخلاف طرفداران حقوق طبیعی که بر روش قیاسی در حقوق متمرکز بودند؛ به روش استقرایی در حقوق تمرکز دارند.^۱

ناگفته نماند که پوزیتیویسم به مثابه یک نحله فکری در جوامع اروپایی به طور عام و در انقلاب‌های اروپای غربی به طور خاص نقش و تأثیرگذاری بسیار جدی داشت.^۲ اما در لایه نظر، توسط دانشمندانی چون هربرت اسپنسر نقد و دچار استحاله درونی شده است. پوزیتیویسم کلاسیک با اثرپذیری از انتقادات وارده در اندام پوزیتیویسم منطقی^۳، بازسازی شد.^۴ در بازیافت پوزیتیویسم، حلقه وین (در سال‌های پس از ۱۹۲۱) نقش بسیار جدی ایفا نمود. مهمترین متفکران این حلقه، افرادی چون رودولف کرناپ^۵، آلفرد ایر^۶ و هانس ریژن باخ^۷ بود^۸ و پوزیتیویست‌های منطقی وظیفه اصلی خود را در علمی کردن فلسفه دیده و می‌گفتند که مسأله‌مندی فلسفه کلاسیک در جهان معاصر بررسی و تدقیق شود. هر چند راسل قبل از این حلقه گفته بود که فلسفه باید دقیق‌تر و علمی‌تر از سایر علوم باشد.^۹

نکته پایانی اینکه تحولات قرن بیستم بویژه نیمه نخست آن موجب وارد شدن نقدهای جدی به پوزیتیویسم گردید به صورتی که پوزیتیویسم کلاسیک و پوزیتیویسم منطقی وسیعاً نقد شد و بسیاری از اصول آن کنار گذاشته شد.^{۱۱} در ادامه پوزیتیویسم حقوقی نیز توسط

مفقاوت است. به علاوه، پوزیتیویست‌ها فکت‌ها را در رفتار انسانی و خود انسان جستجو می‌کنند، حال آنکه طبیعت‌گرایان فکت‌های یونیورسال را در لایه‌های دیگر و در طبیعت جستجو می‌کنند.

۱. علی اصغر کاظمی، متدولوژی حقوق بین‌الملل، چاپ اول (تهران: قومس، ۱۳۹۴) صص ۸۰-۷۵.

2. Auguste Comte, *a General View of Positivism*, Translated by JH Bridges (Trübner & Company, 1865) P 62.

۳. برخی آن را نیو-پوزیتیویسم نیز یاد می‌کنند.

4. Boeselager, op. cit. at 12-13.

5. Rudolf Camap.

6. Alfred Ayer.

7. Hans Reichenbach.

۸. صادق زیباکلام، «پیوند نامبارک پوزیتیویسم با اندیشه سیاسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۱)، ص ۴.

9. Boeselager, op. cit. at 14.

10. Miller, op. cit. at 50.

11. Ibid. at 57.

دانشمندانی چون رونالد دورکین،^۱ لان فولر و جوزف رز^۲ نقد شده است. دورکین از متفکران پوزیتویستی همچون پروفیسور هارت^۳ نقد نموده و تأکید می‌کند آنچه را که جدایی اخلاق با قانون نام نهاده‌اند در جهان معاصر بی‌معنی بوده و در میان این مفاهیم ارتباط معنی‌داری وجود دارد.^۴ با آنکه پوزیتویسم حقوقی از مناظر مختلف نقد شده و اما مهمترین حُسن پوزیتویسم حقوقی این بوده است که حقوق را از دایره باید‌ها بیرون نموده و در دایره هست‌ها قرار می‌دهد.^۵ شاید به همین دلیل است که تا به امروز در دفاع از پوزیتویسم آثاری نوشته می‌شود،^۶ این وضعیت به دو دلیل نباید کم اهمیت جلوه‌گر شود: نخست اینکه اینها نشان دادند حقوق در هر حال، استوانه‌های بیرونی نیز دارد که در مقام ارزیابی گزاره‌های انتزاعی نمی‌توان نسبت بدانها بی‌توجه بود. دوم اینکه هست-محوری پوزیتویست‌ها در تشخیص بخشی به حقوق در برابر سایر معارف، تأثیر بسیار جدی داشته است.^۹

۱-۲. پوزیتویسم به مثابه پارادایم پژوهش

ریشه‌های دانش‌واژه پارادایم^{۱۰} به یونان قدیم بر می‌گردد که در زبان فارسی مناسب‌ترین معادلش، الگوواره یا الگوی مسلط است. در متدلوژی پژوهش از واژه پارادایم برای توصیف «جهان‌بینی» پژوهشگر استفاده می‌شود. این جهان‌بینی چشم‌انداز یا تفکر یا مکتب فکری یا مجموعه‌ای از باورهای مشترکی است که معنا یا تفسیر داده‌های تحقیق را تحت

1. Ronald Dworkin.

2. Joseph Raz.

3. H.L.A. Hart.

4. Herbert Lionel Adolphus Hart, "Positivism and the Separation of Law and Morals", Harv. L. Rev., 71, (1957), P. 593.

5. Wilfrid Joseph Waluchow, "The Many Faces of Legal Positivism", The University of Toronto Law Journal, Vol. 48, Issue 3, (1998), P. 389.

6. Tom Campbell, *Prescriptive Legal Positivism: Law, Rights and Democracy*, (Australia: Psychology Press, 2004) P. 2.

7. Karen Petroski, "Is Post-positivism Possible?" German Law Journal, Volume 12, Issue 2, (2011), P. 692.

8. Matthew H. Kramer, *In Defense of Legal Positivism: Law without Trimmings* (Oxford University Press, 2003).

۹. مولائی، همان، ص ۳۷.

10. Paradigm.

تأثیر قرار می‌دهد. این شامل باورها و اصولی است که نحوه نگرش یک محقق به جهان را شکل داده و توضیح می‌دهد که پژوهشگران چگونه جهان را تفسیر و یا در آن عمل می‌کنند.^۱ اما در برداشت مدرن، مفهوم پارادایم برای نخستین بار توسط توماس کوهن^۲ (۱۹۶۲) برای توصیف «شیوه تفکر فلسفی» استفاده شد.^۴

پوزیتیویسم به مثابه یک پارادایم پژوهشی در اوایل دهه ۱۸۰۰ مورد توجه قرار گرفت و تا اواسط قرن بیستم گفتمان مسلط علمی بود.^۵ در این پارادایم علمی، فرض بر این است که تنها راه دانستن تجربه، مراجعه به جامعه بوده و برای رسیدن به شناخت علمی باید به داده‌های مشتق شده از آزمایش و مشاهدات مراجعه نمود. همچنین این نحله فکری شناخت بدون متدلوژی علمی را معرفت قابل تأیید ندانسته و علم نمی‌پندارد.^۶ و مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهش‌های ذیل پارادایم پوزیتیویسم به‌طور خلاصه از این قرار است:

- نخست؛ پژوهش‌هایی که ذیل پارادایم پوزیتیویسم قرار دارند، فرآیند تحقیق را عینی و غیرارزشی فرض می‌کنند و تأکید می‌کنند که در تفسیرهای علمی باید بی‌طرفانه عمل شود. حتی علم را از انسان جدا فرض نموده و اثرات ارزش‌ها و پیش فرض‌ها را در ارائه نظریات علمی نادیده گرفته و نفی می‌کنند.^۸
- دوم؛ از نظر این نحله فکری، فرضیه یک ایده موقتی بوده که احتمال تأیید یا رد آن مستلزم بررسی فرضیه است. فرضیه‌ها را می‌توان با استفاده از نمونه‌گیری، جمع‌آوری

۱. در تعریف دیگر: پارادایم‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها تعریف نمود که چارچوب‌های نظری را برای هدف و انجام تحقیق فراهم می‌کنند.

2. Kivunja & Kuyini, op. cit. at 26.

3. Kuhn.

4. Margarita Corry Sam Porter & Hugh McKenna, "The Redundancy of Positivism as a Paradigm for Nursing Research", Nursing Philosophy, Vol. 20, Issue 1, (2019), P. 3.

۵. برای دیدن دسته‌بندی دیگر از «کندی» و «آنگی» در ساحت حقوق بین‌الملل، ر.ک: امیر درون‌پرور و پوریا عسکری، «بررسی اندیشه‌های انتقادی مکتب جریان جدید در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۴، (۱۴۰۰)، صص ۱۴۰-۱۳۷.

۶. حبیب ابراهیم‌پور و رضا تجاری، «مبانی فلسفی مطالعات سازمانی در چهار پارادایم»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۳، شماره ۵۳، (۱۳۸۶)، ص ۱۶.

7. McGregor, & Murnane, op. cit. at 420.

8. Ibid. at 421.

داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمایش و قابلیت تکرار آن پیش‌بینی نمود. قابل تکرار بودن از این جهت مهم است که محققان می‌خواهند به این پرسش پاسخ دهند که آیا در آینده استفاده از نتایج تحقیق ممکن است یا خیر؟^۱

- سوم؛ پژوهش‌های پوزیتیویستی ذیل گزاره‌های رسمی (شکلی)^۲ انجام شده و با موضوعاتی چون اندازه‌گیری‌های کمی متغیرها، آزمون فرضیه‌ها و بررسی استنباطی نمونه‌ها در جامعه آماری مشخص می‌شود.^۳

- چهارم؛ پوزیتیویسم بر رهیافت علوم طبیعی استوار بوده و برای تحلیل فکت‌ها از روش‌های کمی استفاده می‌کند.^۴ حتی آن‌سان که طرفداران حقوق طبیعی مدرن عقل‌گرا هستند^۵ پوزیتیویسم نیز به یک اعتبار از روش عقلی در فهم استفاده می‌کنند.

- نکته آخر اینکه از نظر پوزیتیویست‌ها تنها دو نوع گزاره معنی‌دار وجود دارد: یکی تجربی و دیگری منطقی؛ از این منظر، فلسفه قدیم به هیچیک از این دو تعلق نداشته و در جهان معاصر موضوعیت ندارد. من باب مثال، مسائل متافیزیکی در فلسفه قدیم در جهان معاصر غیرمنطقی و غیرقابل طرح هستند.^۶

۳. پست-پوزیتیویسم^۷

ریشه نحله فکری پست-پوزیتیویسم^۸ را می‌توان در انتقادات حلقه وین جستجو کرد. نقطه آغاز شکل‌گیری پست-پوزیتیویسم، انتقاداتی است که پوزیتیویست‌های منطقی (۱۹۵۰) در برابر پوزیتیویست‌های کلاسیک مطرح نمودند.^۹ اما بعدها خود پوزیتیویست‌های منطقی

1. Ibid. at 421.

2. Formal Propositions.

3. Ned Kock, Michael J. Gallivan, & Dorrie DeLuca, "Furthering Information Systems Action Research: A Post-positivist Synthesis of Four Dialectics", Journal of the Association for Information Systems, Volume 9, Issue 2, (2008), P. 56.

4. Khairul Baharein Mohd Noor, "Case Study: A Strategic Research Methodology", American Journal of Applied Sciences, Vol. 5, Issue 11, (2008), P. 1602.

۵. محمد راسخ، «مدرنیته و حقوق دینی»، نامه مفید، شماره ۶۴، (۱۳۸۶)، ص ۱۴.

6. Boeselager, op. cit. at 15-16.

۷. این نحله فکری باید در سطح متدلوژی تحقیق جستجو و مطرح شود.

۸. در پست-پوزیتیویسم، فلسفه منطق علم فرض شده و نظرات فلسفی را به تنهایی قابل تأیید نمی‌دانند.

9. John H. Zammito, *A Nice Derangement of Epistemes: Post-positivism in the Study of Science from Quine to Latour* (Chicago: University of Chicago Press, 2004) P. 3.

نیز توسط متفکرانی چون پوپر نقد شدند. پوپر به درستی نشان داد که قریب به اتفاق همه گزاره‌های علمی را نمی‌توان تأیید نمود. از نظر او بهتر است که اثبات‌پذیری را جایگزین ابطال‌پذیری کنیم.^۱ کارل پوپر^۲ و توماس کوهن^۳ (در اوایل دهه ۱۹۶۰) به عنوان مهمترین منتقدان پوزیتیویسم ادعا نمودند که متدلوژی پوزیتیویستی در موضوع دست‌یابی به شناخت، علمی نبوده و برای رسیدن به واقعیت‌ها باید رویکرد غیر-پوزیتیویستی پی‌ریزی شود. در نتیجه انتقادات آنها و دیگر منتقدان، پوزیتیویسم کلاسیک در مجامع علمی اهمیت خود را از دست داده و پارادایم‌های دیگری ظهور کرد تا بدین وسیله محوریت پوزیتیویسم از بین برود.^۴ برای نمونه در ساحت حقوق بین‌الملل، مکتب «جریان جدید» ظهور پیدا کرده است که در درون «جنبش مطالعات انتقادی حقوق» قرار می‌گیرد. جنبش اخیر، نه تنها در امر شکلی و روش‌شناختی با پوزیتیویسم‌ها به معارضة برخاستند بلکه در خصوص امور مربوط به ویژگی‌های ذاتی که پوزیتیویسم‌ها برای قانون، نظیر «مفید قطعیت بودن» را در نظر می‌گیرند نفی کردند.^۵ با این حال گفته می‌شود «جنبش مطالعات انتقادی حقوق»، فاقد روش‌شناسی روشن و مشخصی است.^۶

پست-پوزیتیویسم با پوزیتیویسم تفاوت‌های زیادی دارد که در زیر به طور خلاصه به مهمترین آنها پرداخته می‌شود:

➤ یکی از اصول اساسی پوزیتیویسم، جدایی مشاهده/تجربه از تئوری‌ها می‌باشد. حال آنکه پست-پوزیتیویسم‌ها چنین تفاوتی را نپذیرفته و تأکید می‌کنند که مشاهدات مستقل از تئوری‌ها نبوده و نیستند.^۷ البته پست-پوزیتیویسم‌ها نیز در خط انتقادی پوزیتیویسم قرار گرفته و مقدمات این نحله فکری-انتقادی را حتی در آرای فردریش نیچه نیز می‌توان

1. Boeselager, op. cit. at 19.

2. Karl Popper.

3. Thomas Kuhn.

۴. هرچند این نحله فکری ذیل انتقادات وارده در مجامع علمی کنار گذاشته شد، اما چارچوب علوم معاصر را متأثر نمود.

5. McGregor & Murnane, op. cit. at 420.

۶. محمد راسخ، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۵)، ص ۲۴.

۷. درون‌پرور و عسکری، پیشین، ص ۱۲۵.

۸. هر چیزی که فرد مشاهده می‌کند از طریق درک قبلی از نظریه‌ها و مفاهیم دیگر تفسیر می‌شود.

9. Theory-Ladenness of Observation.

دریافت. نیچه می‌گفت: «واقعیت‌ها دقیقاً همان چیزی هستند که وجود ندارند و فقط تفسیرهای متفکران هستند».^۱

➤ تأکید به فهم درست و دقیق از افراد به‌عنوان توضیح دهنده تئوری‌ها؛ به این معنی که پست-پوزیتیویست‌ها به اثرگذاری پژوهشگران در مطالعات علمی تأکید نموده و خنثی بودن تئوری‌ها را نفی می‌کنند. حال آنکه در پوزیتیویسم عکس این ادعا مصداق دارد.^۲

➤ یکی دیگر از تفاوت‌ها میان پوزیتیویسم و پست-پوزیتیویسم، تمایز بین کانتکت رسیدن به حقیقت^۳ و زمینه‌موجه‌سازی^۴ است.^۵ به این معنی که در پوزیتیویسم، علم، جهانی فرض شده و کانتکت رسیدن به یک واقعیت علمی جدی گرفته نمی‌شود. در حالیکه در پست-پوزیتیویسم چنین نیست، پست-پوزیتیویست‌ها بدین باورند که بسترها و توصیف‌های مربوط به واقعیت‌های علمی در ذات شناخت علمی حاصل شده موثر است.^۶ از نظر جان زامیتو^۷ مهمترین تفاوت پوزیتیویسم با پست-پوزیتیویسم تمایز زمینه‌های دستیابی به شناخت علمی بوده و آن نقطه گسست آنها می‌باشد.^۸

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم هیچ واقعیتی مطلق نیست و نمی‌تواند عاری از ارزش‌های اجتماعی باشد، حال آنکه در پوزیتیویسم فکت‌ها جهانی و عاری از ارزش فرض می‌شوند.^۹

➤ پست-پوزیتیویست‌ها، پوزیتیویسم را به‌عنوان تنها راه رسیدن به شناخت علمی نمی‌دانند.^{۱۰} حال آنکه پوزیتیویسم در این زمینه رویکرد دگماتیک دارد.

1. Zammito, op. cit. at 10.

2. Philip Allmendinger, "Towards a Post-positivist: Typology of Planning Theory", SAGE Publications, Vol. 1, Issue 1, (2002), P. 87.

3. Context of Discovery.

4. Context of Justification.

5. Zammito, op. cit. at 12.

6. Allmendinger, op. cit. at P. 87.

7. John H. Zammito.

8. Zammito, op. cit. at 12.

9. Miller, op. cit. at 61.

10. McGregor & Murnane, op. cit. at 420.

➤ نکته آخر اینکه پذیرش پست-پوزیتیویسم به مثابه پارادایم پژوهش، باعث می‌شود تا پهنای معرفت وسیع تر شده و موضوعات بیشتری به عنوان معرفت علمی پذیرفته شود. حال آنکه در پوزیتیویسم تنها معرفت: تجربه بنیان و آماری معرفت قابل تأیید دانسته می‌شود.^۱

۱-۳. پست-پوزیتیویسم به مثابه پارادایم پژوهش

رویکرد پست-پوزیتیویستی برای پژوهشگران کمک می‌کند تا آنها از تفکرات خطی بیرون آمده و تنوع شناخت را به عنوان یک اصل علمی بپذیرند. همچنین آنها به نقش تفسیرها و اجرایی نمودن تئوری‌ها اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شوند.^۲ پژوهش‌های ذیل پارادایم پست-پوزیتیویسم می‌تواند هم کمی باشد و هم کیفی؛ در تحقیقات پست-پوزیتیویستی کیفی تلاش می‌شود تا آنچه در حال انجام است و یا ارزش‌های حاکم در جامعه بیان شود. همچنین این نوع تحقیقات با به تصویر کشیدن شرایط زمانی، فرهنگی یا مکانی می‌خواهند بازتولید آن اعمال در کنش و واکنش افراد را پیش‌بینی کنند.^۳

برخی از مهمترین ویژگی‌های پژوهش‌های ذیل پارادایم پست-پوزیتیویسم به قرار زیر است:

➤ از منظر پارادایم پست-پوزیتیویسم، پژوهش نمی‌تواند به دور از ارزش‌ها و یا بی‌طرفانه فرض شود. در نتیجه برای دستیابی به شناخت علمی، ارزش‌ها و پشتوانه‌های ذهنی پژوهشگران مورد توجه قرار گیرد. به عبارت بهتر برخلاف پارادایم پوزیتیویسم، در پست-پوزیتیویسم چگونگی ثبت و انجام مطالعه بسیار مهم است. این در حالیست که پوزیتیویست‌ها صرفاً به روایی و پایایی تأکید نموده و به جنبه‌های ذهنی، توجه آنچنانی نمی‌کنند. در چارچوب پارادایم پست-پوزیتیویستی، مطالعه‌ای قابل اعتماد است که خواننده بتواند از رویدادها و اثرات محقق، تحلیل درستی داشته باشد.^۴

1. Anne B Ryan, Post-Positivist Approaches to Research, In: Researching and Writing Your Thesis: A Guide for Postgraduate Students (Ireland: Maynooth Adult and Community Education, 2006) P. 12.

2. Allmendinger, op. cit. at 77.

3. McGregor & Murnane, op. cit. at 421.

4. Ibid. at 422.

➤ دانش نمی‌تواند از افراد و یا ارائه کنندگان آن جدا فرض شود به این معنی که در پارادایم پست-پوزیتیویستی چنین فرض می‌شود که دشوار است پژوهشگران و جامعه مورد مطالعه بی‌طرف بمانند.^۱ و^۲

➤ متدلوژی و متد زمانمند هستند و جهانی نیستند،^۳ به این معنی که تئوری‌ها از ارزش‌های اجتماعی متأثر بوده و باید در کانتکست تاریخ و جوامع مورد مطالعه قرار گیرند. پست‌پوزیتیویسم ضمن پذیرش تاریخ به عنوان شناخت زمینه‌ای، قابلیت تعمیم شناخت را برای آینده به چالش می‌کشد.^۴ و^۵

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم، میان تئوری و تجربه رابطه پیچیده و اما معناداری وجود دارد.^۶

➤ پژوهش‌های پست-پوزیتیویستی جزءنگری و کثرت‌گرایی را اصل دانسته و به انحصار حقیقت/واقعیت تأکید نمی‌کنند.^۷

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم نباید تئوری به مشاهده تقلیل داده شود بلکه مسیرهای گوناگونی برای شناخت قابل تصور است. بدیهی است که در اینجا فرض بر این است که روش‌های مختلف دارای وزن همسان و هم‌عرض هستند.

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم، مشاهدات علمی از تئوری‌ها مستقل و یا خنثی نیستند. در نتیجه در این دیدگاه با پدیده هم‌نشینی نظر و عمل مواجه هستیم. در چنین فضایی، این دو نه رقیب یا نقیض هم بلکه مکمل و هم‌افزا هستند.

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم فکت‌ها از تئوری متأثرند. بنابراین، سوژه‌ها بر ابژه‌ها تأثیر می‌گذارند.

➤ از منظر پست-پوزیتیویسم دانش نمی‌تواند جدای از جامعه فرض شود.^۸

1. Ibid. at 422.

2. Zammito, op.cit, at 14.

3. Ibid. at 14.

4. Inanna, op. cit. at 8.

5. Allmendinger, op. cit. at 89.

6. Ibid. at 89.

7. Miller, op. cit. at 57.

8. Zammito, op. cit. at 14.

۴. دانش حقوق عمومی در دامان نحله فکری پست-پوزیتیویسم

جدال پوزیتیویسم با حقوق طبیعی یکی از مسائل بسیار مهم دانش حقوق عمومی می‌باشد. در واقع پوزیتیویسم حقوقی در مقابل حقوق طبیعی قرار گرفته و قانون وضعی را تنها منبع حقوق می‌داند.^۱ این جدال نظری اثر بسیار مهم در تکوین و تکامل دانش حقوق داشته است و بازخورد آن، چارچوب کلی دانش حقوق را شکل داده است. پرسش این است که آیا پست-پوزیتیویسم نیز همچون پوزیتیویسم در دانش حقوق تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ پاسخ روشن است، پارادایم پست-پوزیتیویسم در بحث شناخت علمی حرف‌های جدی دارد و بی‌شک دانش حقوق عمومی نیز از آن متأثر بوده است. ناگفته نماند که هرچند نقدهای بسیاری به پوزیتیویسم وارد شده است؛ با این حال این نحله فکری کماکان به عنوان پارادایم پژوهشی در تحقیقات علمی لحاظ می‌شود. حتی برخی هنوز ادعای پست-پوزیتیویسم به مثابه پارادایم و یا مدل پژوهش را منتفی می‌دانند.^۲ اما در مقابل برخی دیگر بر این باورند که پست-پوزیتیویسم به مثابه نحله فکری وارد تعامل با حقوق شده و مطالعات حقوقی را متأثر نموده است. من باب مثال *رایان توماس ساچلی*^۳ در رساله دکتری خود مدعی است که رویکرد پست-پوزیتیویستی در دانش حقوق به‌طور عام و در مفهوم قانون به‌طور خاص، این امکان را در اختیار ما قرار می‌دهد که از یک سو اهمیت قانون را حفظ کنیم و اما از سوی دیگر هنجارهای رقیب قانون را نیز (بدون اینکه همدیگر را نفی کنند) بپذیریم.^۴ به این معنی که پوزیتیویسم به مفهوم قانون اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و از منظر پوزیتیویست‌ها مفهوم قانون وضعی دانش حقوق را به منصفه ظهور می‌رساند. حال آنکه نحله‌های رقیب پوزیتیویسم به هنجارهای بنیادینی تأکید می‌کنند که به نحوی رقیب قوانین وضعی فرض می‌شوند. از نظر ساچلی با پیروی از پست-پوزیتیویسم می‌توان هارمونی معناداری میان قوانین وضعی و هنجارهای رقیب قانون برقرار نمود، به نحوی که همدیگر را نفی نکنند.

1. Boeselager, op. cit. at 4.

2. Anne B Ryan, op. cit. at 17-18.

3. Ryan Thomas Sauchelli.

4. Ryan Thomas Sauchelli, *Normativity in Law after Positivism* (Irvine: University of California, 2016) P. ix.

نکته قابل ذکر این است که برخی چنان فرض می کنند که حقوق پوزیتیویستی با ورود بشر به مدرنیته مطرح شده است. اما نکته اینجاست که حقوق پوزیتیویستی در دل تاریخ ریشه دارد. برای مثال رایان توماس در رساله دکتری خود می گوید: «از منظر تاریخ تحول مفاهیم، اصلاحات حقوقی سولون در قوانین آتن (قرن ۶ قبل از میلاد) یکی از نخستین مصداق‌هایی از قوانین پوزیتیویستی است. همچنین در قرن پنجم قبل از میلاد، الواح دوازده گانه رُم نیز از منظر ریشه‌شناسی مفاهیم، قانون پوزیتیویستی بود که در لاتین بنام Ius Positum یاد می شد».^۱ حقوق پوزیتیویستی دارای دو ویژگی اساسی می باشد: ۱- قوانین پوزیتیویستی از قراردادهای اجتماعی منشأ می گیرد، ۲- قوانین پوزیتیویستی توسط یک مقام حاکم حمایت و پشتیبانی می شوند.^۲ حتی سوفسطائیان در برابر فلاسفه چون سقراط و افلاطون رویکرد پوزیتیویستی داشتند. چون آنها نیز انسان را در مقام خالق حق و تکلیف قرار می دادند.

شایسته یادآوری است که پست پوزیتیویسم به مثابه پارادایم پژوهش و رهیافت پژوهشی در رشته‌های دیگری نیز بررسی شده است، حتی پایان‌نامه‌هایی در زمینه بررسی چگونگی این تعامل به رشته تحریر در آمده است.^۳

اینجا برخی از اثرات نحله فکری- فلسفی پست-پوزیتیویسم ذیلاً خلاصه می شود:

➤ مهمترین اثر تعامل نحله فکری چون پست-پوزیتیویسم با حقوق عمومی این است که پژوهشگران این رشته قادر می شوند تا برای خود اپیستمولوژی یا فضای فکری مشخصی تعریف نموده و موضوعات را در قالب آن درک کنند.^۴ اپیستمولوژی بررسی چگونگی دست‌یابی به شناخت علمی می باشد. به بیان دیگر، اپیستمولوژی به درک این موضوع کمک می کند که انسان با چه پیش فرض‌هایی فرض می کند که مساله‌ای را می داند. این بحث به ماهیت دانش مربوط شده و به این موضوع می پردازد که چه چیزی معرفت معتبر را تشکیل می دهد؟، چه چیزی را می توان شناخت؟ و چه کسی می تواند فرد دانا تلقی

1. Ibid. at 7.

2. Ibid. at 8-9.

3. Terry O'Callaghan, *Post-positivism in International Political Theory Relativist or Revivalist?* (Doctoral Dissertation, University of British Columbia, 1992) P 1.

4. Anne B Ryan, op. cit. at 18.

شود؟^۱ پژوهش حقوقی شایسته می‌طلبد که پژوهشگران در نوشته‌های خود بخشی را به روش‌شناسی^۲ اختصاص داده و توضیح دهد که در رسیدن به نتیجه پژوهش، از کدام پارادایم تبعیت نموده و از کدام اپیستمولوژی فکری متأثرند.^۳ در این راستا می‌توان گفت، اپیستمولوژی به دانش حقوق عمومی در زمان، ظرفیت معنایی می‌بخشد. بدین گونه که با ترسیم فضای معرفت‌شناختی، صورت‌بندی دانایی را در درون حقوق عمومی امکان‌پذیر می‌سازد.

➤ اثر دیگری که پست-پوزیتیویسم می‌تواند داشته باشد این است که پژوهشگران رشته حقوق عمومی قادر می‌شوند تا میان تئوری و تجربه ارتباط معنادار برقرار نمایند.^۴

➤ اثر دیگر پست-پوزیتیویسم برای حقوق عمومی ارزش‌دهی به مسأله‌سازی می‌باشد. مراد این است که در پژوهش‌های پوزیتیویستی، پژوهشگر صرفاً به دنبال حل مسائل است؛ حال آنکه در نگاه پست-پوزیتیویستی، طرح مسأله نیز بخشی از معرفت علمی پنداشته می‌شود. محققان پست-پوزیتیویست خود را صرفاً حل‌کننده مشکلات و یا بررسی‌کننده توصیفی مسائل نمی‌دانند، بلکه پژوهش علمی از منظر این نحله فکری می‌تواند هم به سؤالات پاسخ دهد و هم می‌تواند در مورد طرح مسأله علمی باشد. به عبارت بهتر در پژوهش‌های پست-پوزیتیویستی، پژوهشگر می‌تواند صرفاً به دنبال سؤالات درست و جدی باشد.^۵

➤ نکته مهم دیگر در حقوق عمومی، تجربی بودن آن و توسعه آن توسط تمرین قدرت می‌باشد. در نحله پست-پوزیتیویسم اعتبار حقوقی اصل پنداشته شده و آن را با تجربه بشر پیوند می‌دهد. به این معنی که پست-پوزیتیویست‌ها تلاش می‌کنند تا اعتبار هنجارهای حقوقی را از اجرای آن به دست آورند نه از خود قانون. حاصل چنین رویکردی، نادرست‌انگاری ادعای درست بودن قانون و جستجوی مشکل در بی‌راهه کشاندن مجریان

1. Ibid. at 15.

۲. جدا از روش پژوهش.

3. McGregor & Murnane, op. cit. at P 424.

4. Anne B Ryan, op. cit. at 18.

5. Ibid. at 19.

خواهد بود، از این منظر مشکلی در ذات قانون وجود دارد که اجرایی نشده و یا به مشکل برخورد کرده است.^۱

➤ حقوق عمومی به مثابه یکی از شاخه‌های علوم انسانی به نگاه بومی نیاز جدی دارد. پست-پوزیتیویسم به مثابه یک پارادایم پژوهشی، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا به شناخت علمی (حقیقت)، نگاه جهانی نداشته و مسائل اجتماعی را در جوامع مختلف به شکل بومی مطالعه کنند.^۲ از اینجا است که مفهوم حقیقت رنگ و بوی دیگری پیدا می‌کند. در نتیجه، گزاره حقایق حقوقی نیز آستن تحولات می‌شود.

➤ حقوق عمومی شدیداً تحت تأثیر قدرت و ارزش‌های حاکم در جامعه قرار دارد. یکی از موضوعات اصلی پست-پوزیتیویسم اثرگذاری موضوعاتی چون گفتمان‌ها، قدرت، ارزش‌ها و محدودیت‌های پژوهش در شناخت علمی می‌باشد.^۴

➤ رهیافت پژوهشی پست-پوزیتیویسم به کثرت گرایی متدلوزی تأکید می‌کند. به این معنی که انتخاب روش پژوهش، تابع مسائل علمی طرح شده می‌باشد.^۵

➤ برداشت پوزیتیویستی از قانون نمی‌تواند به جایگاه آرای قضایی در فرآیند تولید و توسعه دانش حقوق پاسخ روشنی ارائه دهد. پست-پوزیتیویسم برای هنجارهای غیرپوزیتیویستی جایگاه و یا موقعیت حقوقی مشخصی را تعریف نموده و بسیاری از پرسش‌های دست و پاگیر پوزیتیویسم را پاسخ می‌دهد.^۶

نتیجه‌گیری

حقوق عمومی به مثابه یکی از رشته‌های در حال توسعه در جامعه علمی فارسی زبان، به بررسی مسائل در لایه مبانی و فلسفی نیاز جدی دارد. تا زمانی که متفکران این رشته پایه‌های فکری و متدلوزیک این رشته را حل‌اجی نکنند، نتیجه گرفتن در مسائل تجربی ناممکن به

1. Sauchelli, R. T, op. cit. at 38-39.

۲. ابراهیم برزگر، «رهیافت بومی‌سازی علوم انسانی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۳، (۱۳۸۹)، ص ۳۵.

3. Anne B Ryan, op. cit. at 19.

4. Ibid. at 22.

5. Hadiya Habib, "Positivism and Post-positivistic Approaches to Research", UGC Care Journal, Volume 31, Issue 17, (2020), P 1003.

6. Sauchelli, op. cit. at ix.

نظر می‌رسد. با درک این مهم در این مقاله تلاش شد تا پیشاروش بودن متدلوژی بررسی و ذیل آن ظرفیت پست-پوزیتویسم در ارائه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی به بحث گذاشته شود.

آن‌سان که دیدیم نحله‌های فکری-فلسفی به مثابه پارادایم پژوهش عمل نموده و افق روشنی در راستای رسیدن به شناخت علمی ترسیم می‌کنند. این مسأله از دو جهت برای علوم انسانی مهم است: نخست اینکه هر شناختی را نمی‌توان شناخت علمی تلقی نمود. صرفاً معرفتی اعتبار علمی دارد که از عینک مکاتب فلسفی به آن نگاه شده و پژوهشگر در مباحث متدلوژیک، تکلیف خود را با پارادایم‌های پژوهش مشخص نموده باشد. ثانیاً ما در عصری زندگی می‌کنیم که بسیاری از مفاهیم جامعه علمی ما ماهیت علمی ندارند و در بهترین حالت در دایره شبه‌علم می‌گنجند. به نظر می‌رسد نگاه از دیدگاه مکاتب فلسفی، سنجه خوبی برای تشخیص علم از شبه‌علم در دانش حقوق عمومی باشد.

در لایه نظر، پست-پوزیتویسم پاسخی است به انتقادات وارده به پوزیتویسم. در واقع متفکران این نحله فکری کوشش می‌کنند تا ذیل انتقادات وارده، نسخه‌ای را ارائه نمایند که با واقعیت‌های عصر حاضر سازگاری داشته باشد. این نحله فکری در دل مباحث متدلوژیک به مثابه پارادایم پژوهش عمل نموده و روش تحقیق را معنی‌دار و نظام‌مند می‌سازد.

بر مبنای یافته‌های این مقاله، پست-پوزیتویسم به مثابه یک رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی قابل تعمیم است. نگاه به حقوق عمومی از عینک پست-پوزیتویسم باعث می‌شود تا امکان نگاه بومی و تجربی به مفاهیم به مثابه یک اصل پذیرفته شود. همچنین این نحله فکری، پژوهشگران حقوق عمومی را قادر می‌سازد تا در عوض استفاده از تکنیک‌های آماری، به روش تحقیق توصیفی و تاریخی (به مثابه شناخت زمینه‌ای) تمسک جویند. خلاصه اینکه فضای فکری مکتب پست-پوزیتویستی، پژوهشگران حقوق عمومی را برای انطباق با شرایط و عدم نگاه جزیره‌ای به مفاهیم و واقعیت‌ها آماده می‌کند.

آنچه که در پایان شایسته گفتن است این است که پست-پوزیتویسم از ظرفیت‌های معرفت پست-مدرنیسم، دست‌کم در برخی زمینه‌ها نظیر کثرت‌گرایی روش‌شناختی، علیه پوزیتویسم بهره‌برداری می‌کند که پرداختن بدان نیازمند تحقیق مستقلی است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ayat Mulaee



<https://orcid.org/0000-0001-7084-1890>

Nusratullah Nabeel
Rahimi



<https://orcid.org/0000-0002-2036-6187>

منابع

کتاب

- کاظمی، علی اصغر، *مندولوژی حقوق بین الملل*، چاپ اول (تهران: قومس، ۱۳۹۴).
- محمد راسخ، *حق و مصلحت* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۳).
- شهبازی، آرامش، *فلسفه حقوق بین الملل*، دفتر یکم: پوزیتیویسم، چاپ اول (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، ۱۳۹۵).
- مولائی، آیت، *جزوه درس بررسی تحلیلی مکاتب فلسفی و کلامی در حقوق عمومی*، مقطع دکتری رشته حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، (۱۴۰۰).

مقاله ها

- ابراهیم پور، حبیب و رضا تجاری، «مبانی فلسفی مطالعات سازمانی در چهار پارادایم»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۱۳، شماره ۵۳، (۱۳۸۶).
- افتخاری، اصغر، «روش شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، (۱۳۸۲).
- برزگر، ابراهیم، «رهیافت بومی سازی علوم انسانی»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۳، (۱۳۸۹).
- چاپرک، علی و همکاران، «معرفی چارچوبی جدید برای معرفت شناسی آینده پژوهی: معرفت شناسی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، دوره ۱۲ شماره ۴۸، (۱۳۹۸).

- درون پرور، امیر و عسکری، پوریا، «بررسی اندیشه‌های انتقادی مکتب جریان جدید در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۴، (۱۴۰۰).
- راسخ، محمد، «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۱، (۱۳۸۵).
- راسخ، محمد، «مدرنیته و حقوق دینی»، نامه مفید، شماره ۶۴، (۱۳۸۶).
- زیباکلام، صادق، «پیوند نامبارک پوزیتیویسم با اندیشه سیاسی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۱).
- طیب، علیرضا، «چرخش به سوی پست-پوزیتیویسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۲، (۱۳۸۱).
- ناجی، سعید، «نقدی بر آموزش روش تحقیق در نظام آموزشی کشور»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴۷، (۱۳۸۵).

References

Books

- Antonesca, Mary; Fallon, Helen; Ryan, Anne B & Walsh, Tony, *Post-Positivist Approaches to Research*, In: *Researching and Writing your Thesis: a Guide for Postgraduate Students* (Ireland: Maynooth Adult and Community Education, 2006).
- Boeselager, Wolfhard F, *The Soviet Critique of Neopositivism*, In *the Soviet Critique of Neopositivism*, (Eds) J. M. Bochenski (Dordrecht: Springer, 1975).
- Campbell, Tom, *Prescriptive Legal Positivism: Law, Rights and Democracy* (Australia: Psychology Press, 2004).
- Comte, Auguste, *A General View of Positivism*, Translated by JH Bridges (Trübner & Company, 1865).
- Kramer, Matthew. H, *In Defense of Legal Positivism: Law without Trimmings* (Oxford University Press, 2003).

- Miller, Katherine, *Perspectives on Organizational Communication: Finding Common Ground: Common Ground from the Post-positivist Perspective* (New York: Guilford Press, 2000).
- O'Callaghan, Terry, *Post-positivism in International Political Theory Relativist or Revivalist?* Doctoral Dissertation (Canada: University of British Columbia, 1992).

Sauchelli, Ryan Thomas, *Normativity in Law after Positivism* (Irvine: University of California, 2016).

- Zammito, John, H. *A Nice Derangement of Epistemes: Post-positivism in the Study of Science from Quine to Latour* (Chicago: University of Chicago Press, 2004).

Articles

- Allmendinger, Philip, "Towards a Post-positivist: Typology of Planning Theory", SAGE Publications, Vol. 1, issue 1, (2002).
- Chilisa, Bagele & Kawulich, Barbara, "Selecting a Research Approach: Paradigm, Methodology and Methods", *Doing Social Research: A Global Context*, Vol. 5, Issue 1, (2012).
- Corry, Margarita, Porter, Sam & McKenna, Hugh, "The Redundancy of Positivism as a Paradigm for Nursing Research", *Nursing Philosophy*, Vol. 20, Issue 1, (2019).
- Fox, Nick, "Post-positivism", *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods*, No. 2, (2008).
- Habib, Hadiya, "Positivism and Post-positivistic Approaches to Research", *UGC Care Journal*, Vol. 31, Issue 17, (2020).
- Hamati-Ataya, Inanna, "Beyond Post/Positivism: The Missed Promises of Systemic Pragmatism", *International Studies Quarterly*, Vol. 56, Issue 2, (2012).

- Hart, Herbert. L. A, "Positivism and the Separation of Law and Morals", Harv. L. Rev., Vol. 71, Issue 4, (1957).
- Kivunja, Charles, & Kuyini, Ahmed Bawa, "Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts", International Journal of Higher Education, Vol. 6, Issue 5, (2017).
- Kock, Ned, Gallivan, Michael J. & DeLuca N., Dorrie, "Furthering Information Systems Action Research: a Post-positivist Synthesis of Four Dialectics", Journal of the Association for Information Systems, Vol. 9, Issue 2, (2008).
- McGregor, Sue. L. T, & Murnane Jennifer A, "Paradigm, Methodology and Method: Intellectual Integrity in Consumer Scholarship", International Journal of Consumer Studies, Vol. 34, Issue 4, (2010).
- Noor, Khairul Baharein Mohd, "Case Study: A Strategic Research Methodology", American Journal of Applied Sciences, Vol. 5, Issue 11, (2008).
- Petroski, Karen, "Is Post-positivism Possible?", German Law Journal, Vol. 12, Issue 2, (2011).
- Waluchow, Wilfrid Joseph, "The Many Faces of Legal Positivism", The University of Toronto Law Journal, Vol. 48, Issue 3, (1998).

In Persian

Books

- Mulaee, Ayat, Booklet Analytical Study of Philosophical and Theological Schools in Public Law phd. Degree in Public Law, University of Tabriz, (1400). [In Persian]
- Rasakh, Mohammad, *Right and Expediency* (Tehran: Nay Publications, 2014). [In Persian]

- Kazemi, Ali Asghar, *Methodology of International Law*, First Edition (Tehran: Qomes, 2014). [In Persian]
- Shahbazi, Aramesh, *Philosophy of International Law*, (Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute, 2016). [In Persian]

Articles

- Barzgar, Ebrahimi, The Approach of Humanities Localization, *Methodology of Social Sciences and Humanities*, Vol. 16, Issue 63 (2010). [In Persian]
- Chaparak, Ali et al., "Introducing a New Framework for Epistemology of Futures Studies: Social Epistemology; Through Reviewing Wandell Bell's Viewpoints", *Rahbord Farhang*, Vol. 12, Issue 48, (1398). [In Persian]
- Darounparvar, Amir & Askary, Pouria, "Studying the Critical Thoughts of the New Stream School in International Law", *Intrnational Law Review*, Vol. 38, Issue 64, (2021). [In Persian]
- Ebrahimpour, Habib & Reza, Najari, "The Philosophical Basis of Organizational Studies in the four Paradigms", *Methodology of Social Sciences and Humanities*, Vol. 13, Issue 53, (2006). [In Persian]
- Eftekhary, Asghar, "Positivist Methodology in Security Studies", *Journal of Strategic Studies*, Vol. 6, Issue 19, (2003). [In Persian]
- Naji, Saeed, "Reviewing the Teaching of Methodology in Iran's Educational System", *Methodology of Social Sciences and Humanities*, Vol. 12, Issue 47, (2006). [In Persian]
- Rasakh, Mohammad, "Modernity and Religious Rights", *Nama Mofid*, No. 64, (2016). [In Persian]
- Rasakh, Mohammad, "Intrinsic and Transverse Features of Law", *Majles and Research Quarterly*, Year 13, No. 51, (2015). [In Persian]

- Tayeb, Alireza, "Turning to Post-positivism", Journal of Strategic Studies, Vol. 5, Issue 16, (2002). [In Persian]
- Zibakalam, Sadeq, "The Unfortunate Bond between Positivism and Political Thought", Methodology of Social Sciences and Humanities Vol. 8, Issue 30, (2002). [In Persian]



استناد به این مقاله: مولانی، آیت و نبیل رحیمی، نصرت‌الله، «پُست-پوزیتیویسم به مثابه رهیافت پژوهشی در دانش حقوق عمومی»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۶، شماره ۸۶ (۱۴۰۴)، ۱-۳۰.

Doi: 10.22054/QJPL.2023.70022.2821



The Quarterly Journal of Public Law Research is Licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License